

فصل دوم:

ضعف آمریکا در تحلیل سازمان

□ ناتوانی یا تجاهل در شناخت سازمان

در پی قرار گرفتن جمعیت‌های وابسته به مجاهدین خلق در لیست گروه‌های تروریست، صدای آمریکا از سوی وزارت خارجه آمریکا (در اواخر سال ۱۹۹۹) طی گزارشی بیان داشته است: «آمریکا با قراردادن گروه اصلی مخالفان دولت ایران در خارج از کشور در فهرست گروه‌های تروریستی، محدودیت‌هایی علیه این گروه وضع و اعمال کرده است. این اقدام، فراهم ساختن هرگونه کمک مالی را در آمریکا برای شورای ملی مقاومت ایران غیرقانونی می‌سازد. این اقدام همچنین نمایندگان و اعضای این شورا را از دریافت ویزای سفر به آمریکا محروم می‌کند. وزارت امور خارجه آمریکا شورای ملی مقاومت ایران را نامی مستعار برای سازمان مجاهدین خلق دانسته است. مجاهدین خلق ایران تعدادی از مقامات ایرانی را ترور کرده است و از دو سال پیش به عنوان یک گروه تروریستی در فهرست وزارت خارجه آمریکا قرار گرفته است. شورای ملی مقاومت، که در واشنگتن دفتر دارد، تاکنون مشمول محدودیت‌هایی نبود که دولت آمریکا در مورد مجاهدین خلق، شاخه اصلی آن، اعمال می‌کرد.»

صدای آمریکا همچنین گزارش داد: «۲۸ تن از نمایندگان سنای آمریکا معتقدند که اتخاذ ژست‌های آشتی‌جویانه در مقابل دولت ایران اقدامی اشتباه است. آنان از وزارت امور خارجه آمریکا خواسته‌اند تا در مورد حمایت از گروه‌های مخالف دولت ایران از جمله مجاهدین خلق بررسی‌های جدیدی انجام دهد.» این رادیو با نقل گفته‌های مارتین ایندیک، معاون امور خاورمیانه وزارت خارجه آمریکا افزود: «ایران

قربانی اقدامات تروریستی بوده است. در سال ۱۹۹۸، چند تن از مقامات بلندپایه دولت ایران مورد حمله قرار گرفتند که دو تن از آنان کشته شدند که گروه تروریستی مجاهدین خلق مسئولیت این قتل‌ها را برعهده گرفته است. همچنین اخیراً هم مجاهدین خلق مسئولیت قتل جانشین رئیس ستاد ارتش ایران را پذیرفته است. «معاون وزارت خارجه آمریکا همچنین افزوده است: «ما این حملات و این اقدامات تروریستی را محکوم می‌کنیم؛ همان گونه که اعمال تروریستی هر رژیم و هرگروه دیگری را محکوم می‌کنیم.» وی در ادامه مطالب خود اظهار داشت: «در این زمینه، ما گروه مجاهدین خلق را به عنوان گروه خارجی تروریستی شناختیم و شورای ملی مقاومت را نیز همان مجاهدین خلق شناسایی کردیم. این اقدام ما ارسال هرگونه کمک مالی یا حمایت از این گروه را غیرقانونی اعلام می‌کند و مانع جلب حمایت و کمک مالی برای آنان در آمریکا می‌شود.»^۱

به رغم این گونه اظهارنظرها و یا - پیش از این - شرح تفصیلی وزارت خارجه آمریکا برای کنگره، آمریکاییان نشان داده‌اند که نسبت به جریان‌های سیاسی ایران، راه خطا پیموده‌اند و این امر تنها اختصاص به ضعف آنها در پیش‌بینی نکردن انقلاب ایران ندارد، این ضعف مفرط، مطبوعات و رسانه‌های آمریکا را نیز بیمار کرده است.

از نخستین سال‌هایی که پای دولت آمریکا به ایران باز شد، این کشور با طرح و اجرای کودتای ۲۸ مرداد، دولت قانونی ایران را ساقط کرده شاه را، که از ایران گریخته بود، به تخت بازگرداند و به تدریج دیکتاتور مطلق‌العنانی از او ساخت که تنها با زور نهادهای امنیتی بدنامی چون «ساواک» می‌توانست بر مردم حکومت کند. بی‌دلیل نبوده است که از ابتدا مردم ایران و بسیاری از غیر ایرانیان، شاه را عروسک کوکی آمریکا لقب دادند.

فرایند انقلاب اسلامی، از زایش نخستین در اوایل دهه ۱۳۴۰ تا اوج آن در بهمن ۱۳۵۷، واکنش ایرانیان در برابر نفوذ آمریکا در این کشور بود؛ اما پس از پیروزی این انقلاب، ایالات متحده به اتکالی داشته‌های ضعیف اطلاعاتی و تحلیل‌های یک جانبه، نتوانست سیاست منسجم و استواری در برابر ایران در پیش گیرد. هرچند بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند در موارد زیادی، «تجاهل» در رفتار دولتمردان آمریکایی برای پنهان ساختن انگیزه‌ها و نیت واقعی آنان از مواضع عجیب و غیرمنطقی آنان نیز وجود

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، بولتن ویژه [رادیوهای فارسی زبان]، ۱۸ تیر ۱۳۷۸ / ژوئیه ۱۹۹۹: صص ۳۱-۳۴.

دارد و تفکیک بین ناتوانی واقعی در فهم و درک وقایع و پدیده‌ها با تظاهر به نادانی و ناتوانی از تحلیل درست وقایع به سادگی همواره امکان‌پذیر نیست. زیرا چنین وضعیتی برای آمریکا امکان و فضای مانور برای توجیه تغییر در شیوه‌های سیاسی این دولت را فراهم می‌سازد. البته باید به تنوع و تفاوت‌ها و رقابت‌های درونی موجود در دستگاه‌ها و احزاب حاکم آمریکا نیز توجه نمود. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده انگاشت که سیاست غالب، در مرکز دیپلماسی آمریکا، دشمنی با ایران و انقلاب آن بود. بر این اساس بود که در دوران دفاع مقدس، آمریکا - به رغم اعلام بی‌طرفی - آشکارا از عراق جانبداری کرد. روابط قطع شده دیپلماتیک خود را با عراق از سر گرفت و در حمایت از عراق تا آنجا پیش رفت که ناوگان عظیمی به خلیج فارس ارسال نمود و انهدام اسکله‌های ایرانی و هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران و کشتن مسافران بی‌گناه جنگی اعلام نشده را با جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت.

مطالعه و مرور نمونه‌هایی از تحلیل‌ها و گزارش‌های رسمی مقامات آمریکایی مقیم ایران، در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب تا آستانه پیروزی، «ضعف مفرط اطلاعاتی» دستگاه‌ها و شخصیت‌های رسمی آمریکا را درباره ایران روشن می‌سازد.

□ چند نمونه:

○ خاطرات «سولیوان»

ویلیام سولیوان سفیرکبیر ایالات متحده آمریکا، از دسامبر ۱۹۷۶/دی ۱۳۵۵ تا ماه‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، در خاطرات خود اشاراتی دارد که عجز سیستم ارتباطی و اطلاعاتی آمریکا را به عیان ترسیم می‌کند. وی برای آگاهی یافتن از نهاد روحانیت تشیع در ایران، از طریق یک بازرگان آمریکایی، با تجربه سی ساله داد و ستد در ایران، با «یکی از تجار معروف بازار که با روحانیون روابط نزدیکی» داشته است آشنا می‌شود و «تاجر مزبور آمادگی خود را برای همکاری» با او اعلام می‌دارد تا سفیرکبیر آمریکا از طریق وی، «برای نخستین بار از عقاید و نظرات روحانیون مخالف رژیم و چگونگی فعالیت‌های آنها اطلاع یابد.^۱ چکیده آنچه سولیوان در پی این ارتباط به دست می‌آورد، در خاطرات وی

۱. تأکید از ماست.

طی یکی دو فراز آمده است.

اطلاعاتی که در نتیجه این تماس‌ها به دست می‌آمد نشان می‌داد که مخالفت با رژیم در میان قشری از مردم که معتقدات مذهبی دارند در حال گسترش است و روحانیون مخالف هم به هیچ وجه خود را در مبارزه با رژیم ناتوان نمی‌بینند. روش جدید مبارزه، تطبیق آیات و تعلیمات قرآن با سیاست و مسائل اجتماعی روز و تأکید بر عدم انطباق اعمال حکومت با احکام قرآن و شریعت بود. حتی روشنفکران و جوانان تحصیلکرده هم تحت تأثیر سخنرانی‌ها و نوشته‌های یکی از متفکرین مذهبی به نام «علی شریعتی»، گرایش‌های مذهبی مبارزه‌جویانه‌ای یافته بودند؛ زیرا گفته‌ها و نوشته‌های «شریعتی» این فکر را القا می‌کرد [که] تشیع یک مذهب مبارزه و جهاد است و یک شیعه واقعی نباید در مقابل حکومت جور و ستم تسلیم شود.

اما هیچ یک از اقدامات ما برای تماس با محافل مذهبی، در رفع سوءظن آنها نسبت به آمریکایی‌ها و سیاست آمریکا در ایران مؤثر واقع نشد. احساسات ضدآمریکایی در میان بعضی از گروه‌های افراطی، که زیر پوشش مذهبی به وجود آمده بودند، شدیدتر بود و عملیات تروریستی که شش نفر از آمریکاییان هم قربانی آن شده بودند، از طرف همین گروه‌ها انجام می‌شد. ترورهای سیاسی از طرف این گروه‌ها در سال‌های آخر حکومت شاه، بر خشونت و شدت عمل ساواک افزود و قسمت عمده فعالیت ساواک در این سال‌ها به مبارزه با این گروه‌ها و تلاش برای از میان بردن آنها اختصاص داشت.

در دوران انقلاب ما سعی کردیم روابط نزدیکتری با رهبران مذهبی ایران برقرار کنیم و تماس‌ها و آشنایی‌هایی هم حاصل شد ولی هرگز نتوانستیم اعتماد و اطمینان آنها را به خود جلب کنیم و سایه سوءظن و عدم اعتمادی که بر اثر دوری ما از روحانیت و دست کم گرفتن آنها - سال‌ها - ریشه دوانیده بود، همواره بر تماس‌ها و گفتگوی ما سنگینی می‌کرد.^۱

جدا از ابهاماتی که در این روایت به چشم می‌خورد، چند نکته روشن نیز از آن بر می‌آید:

الف) قشری از مردم که معتقدات مذهبی دارند، با رژیم شاه مخالف بوده‌اند و مخالفتشان رو به گسترش بوده است.

ب) روحانیون مخالف رژیم، خود را قدرتمند می‌بینند.

ج) مبارزه نوین، مبتنی بر برداشتی سیاسی از قرآن و شریعت است.

د) آموزه‌های دکتر شریعتی، آگاهی و احساسات مذهبی روشنفکران و تحصیلکرده‌های

۱. سولیوان، مأموریت در ایران: ص ۶۷.

دانشگاهی را گسترش داده و تقویت کرده است. او تشیع را مذهب مبارزه و جهاد معرفی کرده است.

ه) سوءظن و بدبینی محافل مذهبی ایران به دولت آمریکا و آمریکاییان ریشه‌دار است.
و) شش آمریکایی توسط یک گروه افراطی مذهبی (مجاهدین خلق) ترور شده‌اند.
ز) رهبران مذهبی ایران هرگز اعتمادی به آمریکا پیدا نکردند و «دیوار بی‌اعتمادی» همواره بر جای بوده است.

○ گزارشی از «جان. دی. استمپل»

این گزارش استمپل، که معاون سرپرست بخش سیاسی سفارت بود، بخشی از یک مجموعه گزارش‌هاست که تحت عنوان «کتاب تشریح وضع کلی ایران: سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۷ میلادی» (۱۳۳۴ تا ۱۳۵۶ هجری شمسی) در سفارت آمریکا در تهران، جهت ارسال به وزارت خارجه آمریکا تدوین شده است.

خیلی محرمانه

الف. خلاصه بخش سیاسی

...

۳- مخالفت و تروریست‌ها

امروز جناح مخالف سازمان یافته‌ای در حیات سیاسی ایران وجود ندارد. طی ۱۵ سال گذشته، شاه تا حدود زیادی اقدامات مخالفین خود (از جمله جبهه ملی و عناصر مصدقی) را با برنامه‌های اصلاحی خود یعنی «انقلاب سفید» خنثی نموده است. برای آنهایی که جذب این نظام ایرانی شده‌اند، «حزب رستاخیز» وسیله‌ای برای ایراد انتقادات سازنده شده ولی طوری محدود گردیده که نمی‌تواند به صورت جناحی مخالف با برنامه‌های ملی قدا علم کند...
در جناح راست، روحانیون مسلمان متعصب نیروی مخالفی را تشکیل می‌دهند که از نفوذ سیاسی عمده‌ای برخوردار نیست؛ لیکن پیروان آنها قادرند برنامه‌های دولتی را که به نظر آنها انحرافی است با روش‌های (قرن هفدهم) دودمان صفوی با وقفه رو به رو سازند [؟] در دهه گذشته این نیروها برابر موج فزاینده عمران اقتصادی غیرمذهبی به نبردی دست زدند که همیشه در آن بازنده بوده‌اند. در صورت بروز رویدادی غیرمنتظره (مانند درگذشت شاه، فاجعه نظامی، یا بحران اقتصادی بسیار شدید) و آماده ساختن مردم به مبارزه علیه دولت، روحانیت مسلمان

می‌تواند (بسته به موضوع) پیروان خود را به‌خیابان‌ها گسیل دارد. از آنجا که از نظر آنها آمریکا یکی از حامیان سرسخت رژیم اصلاح‌طلب ایران است و روحانیت همیشه مخالف با سلطه بیگانگان بوده، در صورت بروز تجدیدناسیونالیسم مذهبی، آمریکا آماج حملات سیاسی بسیار شدید خواهد شد.

مخالفت‌های دانشجویی در ایران بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و در رابطه با مسائل محلی و آموزشی صورت می‌گیرد. «کنفدراسیون» دانشجویی ایران، که در اکثر کشورهای اروپای غربی و آمریکا شعباتی دایر کرده است، هسته اصلی مخالفت با رژیم شاه را در خارج از کشور تشکیل می‌دهد و نظریات خود را چنان تعمیم داده که رژیم را دچار تشویش نموده است. این گروه‌ها با بسیاری از جناح‌های مخالف غربی و نیز چهره‌هایی در داخل ایران ارتباط برقرار کرده‌اند. جنبش دانشجویی خارج کشور نقش مهمی را در افشای وضع حقوق بشر، که یکی از مسائل زیربنایی در رابطه بین ایران و غرب می‌باشد، ایفا نموده است.

گروه‌های تروریستی به خاطر قتل شش آمریکایی و تعداد زیادی از ایرانی‌ها، در پنج یا شش سال گذشته، از حمایت بسیاری برخوردار شده‌اند. در چهار سال گذشته، جنبش تروریستی ایران به صورت دو سازمان مهم یعنی «سازمان مجاهدین خلق» و «سازمان چریک‌های فدایی خلق» جلوه‌گر شده و احتمالاً از منابع خارجی همچون «لیبی» کمک‌های شایان توجهی دریافت می‌دارند (ولی تا جایی که می‌دانیم شوروی به آنها کمک نمی‌کند). هر دو سازمان مزبور زائیده فعالیت‌های تروریستی مخالفان می‌باشند. گرچه هر یک از آنها دارای اصول ایدئولوژیک متفاوت (مارکسیست - مسلمان) می‌باشد ولی طی دو سال گذشته با یکدیگر همکاری نزدیک داشته و برای ایدئولوژی مارکسیستی نیز اهمیت بسیاری قائل‌اند.

«مجاهدین» به صورت مرکز مخالفت مسلحانه محافظه‌کار و مذهبی با شاه درآمده و خود را منتسب به جناح مذهبی «جبهه ملی» قدیمی می‌دانند. علی‌رغم مرگ بسیاری از رهبران عملیاتی‌شان مانند «بهرام آرام» در نوامبر ۱۹۷۶ توسط پلیس، زیربنای تشکیلاتی آنها آسیب چندانی ندیده و خطری بسیار جدی علیه آمریکاییان به حساب می‌آیند. «چریک‌ها» سازمان نیمه کمونیستی می‌باشند که در سازمان «حزب توده» سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ ریشه دارند. این گروه همیشه با گروه‌های دانشجویی تندرو ایرانی در اروپا و نقاط دیگر ارتباط برقرار نموده است. «چریک‌ها» اولین کسانی بودند که یک سازمان چریک واقعی را در ایران در سال‌های ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ تشکیل دادند و ظاهراً با «جرح حبش» رهبر «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» - که چندین چریک ایرانی را آموزش داده - در ارتباط هستند. علیرغم چند حمله تروریستی علیه آنها در سال ۱۹۷۶، «چریک‌ها» توانستند توان عملیاتی خود را حفظ کنند و اما از توان سیاسی یا

زیربنایی لازم برای نفوذ در سیاست‌های رژیم، آن هم در دوران پس از کودتا و یا سوء قصد، محروم می‌باشند. استمپل^۱

○ گزارش «میکلوس»

در ادامه گزارش استمپل، در همان «کتاب تشریح...»، گزارشگری به نام میکلوس اشاراتی به مخالفان فعال رژیم شاه دارد. آنچه او نوشته است با گزارش استمپل تفاوت چندانی ندارد ولی برای نشان دادن «پیش‌بینی گویی» آمریکاییان تأثیرگذارتر است.

تاریخ: ۸ ژوئیه ۱۹۷۶ - ۱۷ تیرماه ۱۳۵۵ طبقه‌بندی سری

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت خارجه

موضوع: سلطان تجددگرای ایران: یک ارزیابی سیاسی

...

ناراضیان

دو دسته از مردم را می‌توان گروه‌های ناراضی نامید: یکی محافظه‌کاران مذهبی و دیگری تروریست‌ها. البته گروه سومی به نام دانشجویان و روشنفکران نیز وجود دارد که هنوز مشخص نکرده‌اند که راضی‌اند یا ناراضی [!]. گروه‌های تروریستی تنها گروه‌های فعال و سازمان یافته مخالف رژیم شاه هستند. گرچه تبلیغات زیادی در مورد آنها به راه می‌افتد و به عنوان راه فراری در رابطه با تخلف حقوق مدنی به کار می‌روند ولی در حال حاضر در حاشیه نظام ایرانی واقع شده‌اند (تهران الف - ۲۱۱، ۲۳ نوامبر ۱۹۷۵). دو سازمان تروریستی عمده (که شاید دوشاخه از یک تشکیلات بوده باشند) [!] حتی قادر به جلب حداقل حمایت «خلق» نیز نبوده‌اند. در حقیقت اکثر عملیات موفقیت‌آمیز پلیس علیه آنها، ناشی از همکاری مردم با پلیس بوده است. با پیدایش شواهد مربوط به حمایت تروریست‌ها توسط نیروهای بیگانه (تهران الف - ۱۰، ۲۷ مه ۱۹۷۶ و الف ۵۲۰۵، ۱۸ مه ۱۹۷۶) و نیز سرکوب موفقیت‌آمیز چند گروه تروریستی از دسامبر ۱۹۷۵، دولت ایران با تلاش بسیار وجهه تشکیلات تروریستی را خدشه‌دار ساخته است. تعداد آنها زیاد نیست (بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر عضو درون کشوری فعال که در اختفا به سر می‌برند و نیز حدود ۱۲۰۰۰ نفر هوادار دارند)؛ می‌توان گفت که تروریست‌ها یک نیروی منتظر را تشکیل

۱. اسناد لانه جاسوسی (ویرایش جدید)، ج ۱: صص ۱۵۵ - ۱۵۶.

می‌دهند تا در صورت بروز یک اشتباه جدی از سوی دولت و یا وخامت اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران ضربه خود را وارد سازند. گرچه خطری علیه نیروهای نظامی - امنیتی و دیپلمات‌ها به خصوص دیپلمات‌های آمریکایی، به شمار می‌آیند ولی تأثیر آنها در سیاست‌های داخلی کشور ناچیز بوده است. با این وصف، از طریق فعالیت‌های ضدشاهی توانستند مانع از تبلیغات مثبت مطبوعاتی در خارج از کشور بشوند.

مسئله پیچیده‌تری که رژیم با آن رو به روست، گروه محافظه‌کاران مذهبی مرکب از روحانیون و مردم مذهبی پیرو آنهاست که از ناحیه راست طیف سیاسی به شاه حمله‌ور شده و او را متهم می‌سازند که با عدم ممانعت از نفوذ نوگرایان، در برابر «شرارت یا شیطان» تسلیم شده است. در مورد پیشرفت‌های عمرانی ایران، نخبگان جدید و ابهام‌آمیز بودن تغییرات آن، مطالب بسیاری گفته شده است. با این وصف، اقلیتی نزدیک به اکثریت ایرانیان - به خصوص در مناطق روستایی - نه طرز برخورد خود را تغییر داده و نه نسبت به پذیرش معیارهای مدرن (غربی) تمایل نشان داده‌اند. آنها برخی از اقدامات شاه (از جمله دادن حق رأی به زنان) را مردود شمرده و مغایر با خواست خدا و منافع دین اسلام خوانده‌اند [۱]. دانشجویان دانشگاهی دارای چنین طرز فکری، همیشه هدف اصلی «مجاهدین خلق» - یا گروه تروریستی نزدیک به مسلمانان جناح راست - بوده و به جذب آنان می‌پردازند...^۱

○ تحلیل سفارت درباره سازمان

این سند گزارش تفصیلی کارشناسان سفارت آمریکا در تهران به وزارت خارجه متبوع است. جز مقدمه سند - که آن را نقل کرده‌ایم - بخش‌های نخستین آن - که مربوط به چریک‌های فدایی خلق است - حذف شده است؛ ولی اطلاعات مربوط به مجاهدین خلق را - عیناً - آورده‌ایم.

طبقه بندی: سری

ایران

موضوع: تفسیری در مورد تروریسم، در یک وضعیت انقلابی

(خیلی محرمانه - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) یک دوره طولانی بی‌ثباتی که به وسیله آشوب‌های مکرر دانشجویی - مذهبی که در دی ماه ۱۳۵۷ با چندین روز تظاهرات در شهر

۱. همان: صص ۲۰۵ و ۲۱۱ - ۲۱۲؛ گزارش سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه. امضای «میکلوس» در ص ۲۳۲ درج شده است.

مقدس قم شروع شد، هم‌اکنون به عنوان یک «انقلاب» شناخته می‌شود. تا پاییز اذیت و بی‌حرمتی فیزیکی بر علیه افراد جامعه آمریکایی در ایران افزایش یافته بود؛ آنها وادار به ترک ایران یا بعداً تخلیه شدند. در دی ماه ۱۳۵۷ شاه ایران کشورش را ترک کرد. اگرچه دو گروه اصلی تروریستی ایران به این گرایش ملی عمومی، که تا وقتی شاه و حامیان خارجی‌اش از جا برداشته نشوند هیچ چیز مثبتی نمی‌تواند انجام پذیرد، کمک کردند ولی آنها در اعمال ضدآمریکایی اواسط ۱۳۵۷ درگیر نبودند. (طبقه‌بندی شده) به هر حال آنها قسمتی از انقلاب بودند. «آیه‌الله روح‌الله خمینی، سمبل و رهبر قیام، برجسته‌ترین حلقه ارتباط بین مخالفین مذهبی و تروریست‌ها بود[۱]. او از ۱۳۴۲ به این طرف، در تبعیدگاه، از رژیم انتقاد می‌کرده است. در ۱۳۵۱ اظهار داشت که وظیفه هر مسلمان خوبی است که «مجاهدین خلق ایران» را حمایت کند[۲]. رگبار تبلیغات مداوم وی از طریق نوارهای کاست و به وسیله رهبران روحانی داخل کشور، جو شورش ۱۳۵۷ را به وجود آورد. از زمان برگشت آیه‌الله و ایجاد دولت موقت، سازمان‌های تروریستی نقش‌های اجتماعی مختلفی را به عهده گرفته‌اند. مجاهدین، پاسداران انقلاب شده‌اند که به وسیله «شورای انقلاب» به عنوان یک نیروی شبه نظامی به کار گرفته شده است[۳] «چریک‌های فدایی» به طور آشکار با دولت جدید ابراز مخالفت می‌کنند. (بدون طبقه‌بندی) به خاطر این تغییرات اساسی و به خاطر کیفیت کاهش پیدا کرده جامعه آمریکایی در ایران، تعریف این گروه‌ها به عنوان تهدیدهای واقعی یا نهانی، برای پرسنل یا منافع آمریکا، بایستی که تعدیل شود...

مجاهدین خلق ایران

خلاصه اجرایی

مجاهدین پیش قراول مخالفین مذهبی شاه، با جنبه‌های غیرمذهبی برنامه‌مدرنیزه کردن او مخالفت ورزیدند و به پشتیبانی ایالات متحده و غرب از رژیم او حمله کردند. اکنون در مسیر اصلی جنبش انقلابی، مجاهدین چندین هزار عضو دارد و هنوز به رشد خود ادامه می‌دهد. (سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است) سازمان مجاهدین خلق عمده‌تأ در کشورهای عرب و یا فلسطینی‌ها آموزش دیده است؛ و لذا سازمان‌بندی خوبی دارد که به صورت شاخه‌های پشتیبانی مجزایی است که هر یک وظیفه‌ای انجام می‌دهند. ائبار مهمات جنگی آن شامل منفجرشونده‌های پیکرات، مهمات ضدزره، تجهیزات ارتباطی پیچیده و مجموعه‌ای از اسلحه‌های گوناگون می‌باشد. لیبی یک تغذیه‌کننده مهم است. (سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) مجاهدین تا سال ۱۳۵۶ پرسنل امنیتی ایران،

مؤسسات مرتبط به غرب (من جمله ایالات متحده) و پرسنل نظامی و غیرنظامی ایالات متحده (تماماً در ایران) را مورد هدف قرار می‌دادند. در سال‌های اخیر مجاهدین عملاً از تروریسم اجتناب ورزیده و آن را به مخالفین سیاسی سازمان داده شده‌ای که اهداف مجاهدین را بر می‌آوردند، واگذار نمودند [!]

مجاهدین خلق ایران

جهت‌گیری - اهداف

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است) مجاهدین - متعصبین سنتی مذهبی - [!] با رژیم شاه به خاطر جنبه‌های ضد مذهبی برنامه‌های مدرنیزه کرده آن، خصوصاً آنهایی که قدرت رهبران مذهبی را کاهش می‌داد، مخالفت نمودند و آن را گناه نفوذ غرب می‌دانستند [!] مجاهدین، که به شدت هراسان از بیگانه هستند، ایالات متحده را به خاطر حمایت از شاه مورد حمله قرار دادند. مجاهدین، که مارکسیست‌های اسلامی نامیده می‌شدند، مارکسیسم‌شان فعالیت‌های سیاسی را بیش از فلسفه تبلیغ می‌کند؛ در حالی که عنصر دینی تفکراتشان به مخالفت با نابرابری اجتماعی تأکید دارد.

(بدون طبقه‌بندی) آرم مجاهدین خلق مرکب از چندین سمبل که صفات ممیزه گروه را اعلام می‌کند، می‌باشد. آنها شامل «یک آیه از قرآن» که بیان‌کننده عقیده اسلامی [است]، «ستاره صبیح» نشان‌دهنده امید که با اولین روشنایی آورده می‌شود، «داس و سندان» سمبل‌های کشاورزان و کارگران سخت‌کوش، «مسلسل» [کلاشینکوف] نمایانگر مبارزه مسلحانه «شاخه زیتون» نشان‌دهنده تمایل برای صلح، «نقشه ایران و کره زمین» که مبارزه برای غلبه بر ستم در ایران و دیگر جاها در دنیا را نشان می‌دهد.

نیروی تخمین زده شده

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاورین پیمانکار - هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است) مجاهدین، که در ماه‌های اخیر به طور واضحی رشد کرده‌اند، اکنون می‌توانند ادعا کنند چندین هزار عضو یا هوادار دارند.

رهبر اصلی

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) «محمد تقی شهرام» یک ایدئولوگ مارکسیست، به طوری که گزارش شده، رهبری را از پاییز ۱۹۷۶ به دست گرفته [!] گفته شده است که «شهرام» بر

روابط بین مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی [خلق] تأکید می‌کند.

سابقه

(سری) مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۰ بنیاد نهاده شد!! در دهه بعدی چندین بار تجدید سازمان گردید. سازمان نام «مجاهدین» را در اواخر ۱۳۵۰ برگزید. در ۱۳۵۱ آیه‌الله روح‌الله خمینی، شخصیت برجسته شیعه، اظهار داشت که وظیفه تمام مسلمانان خوب است که مجاهدین را حمایت کنند و شاه را سرنگون سازند!! این فرمان به مجاهدین خلق مشروعیت داد و آن را قادر ساخت که حمایت اجتماعی و وسیع‌تری کسب کند. بازرگانان خیلی محتاط بازار مطلوب‌ترین پاسخ را دادند. (سری) پس از یک دوره عمل بر علیه هدف‌های غربی و ایرانی، یک دوره زوال در تابستان ۱۳۵۲ وجود داشت که متأثر از تلاش‌های متقابل نیروهای امنیتی و نتیجه اولین ترور ضد آمریکایی بود.

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) در اردیبهشت ۱۳۵۴ به نظر آمد که یک شکاف بین مارکسیست‌های اصولی و متعصبین مذهبی مجاهدین خلق به وجود آمده. مارکسیست‌ها با چریک‌های فدایی خلق همکاری و فعالیت نمودند. این دوره در ۱۳۵۴ - ۵۵ منجر به سرکوبی دولت و در عوض منجر به سکون عملیاتی مجاهدین خلق از مرداد ۱۳۵۵ شد. در پاییز ۱۳۵۵ رهبر عملیاتی مجاهدین خلق کشته شد. اعضای دیگر [نیز] دستگیر و کشته شدند یا با کپسول‌های سیانور خودکشی کردند به هر صورت، گروه به وسیله این زیان‌ها شدیداً تحت تأثیر قرار نگرفت.

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) با نگاهی به گذشته، سال ۱۳۵۵ نقطه پایان یک دوره برجسته از تروریسم مجاهدین خلق بود. در سال ۱۳۵۶ مجاهدین خلق و فداییان - به طور همزمان - بعضی از تاکتیک‌هایشان و محل استقرار یا سگاه‌هایشان را تغییر دادند (این تحول به عنوان مدرکی برای تجدید اتحاد ذکر شده).

با این حال، هر گروه رهبران و اعضای جداگانه‌شان را حفظ کردند. نشانه‌های بارزی که مجاهدین خلق را با «جبهه ملی» مرتبط می‌کند، یک ائتلاف در میان گروه‌های مخالف ایرانی با جهت میانه‌روی سیاسی است. به نظر آمد که مجاهدین خلق موقعی که از جبهه ملی درخواست می‌کردند (یا جبهه ملی از مجاهدین خلق درخواست می‌کرد) که ائتلاف شانس برای کمک کردن به اهداف دموکراتیک سیاسی است، مجاهدین خلق عملاً از آشوب امتناع ورزیدند.!!

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) تا مهرماه ۱۳۵۷ هیچ دلیل محکمی در دست نبود مبنی بر اینکه مجاهدین خلق با آشوب مذهبی - دانشجویی سال ۵۷ مرتبط هستند. در آن زمان

مجاهدین یک تظاهرات آشکار در «دانشگاه آریامهر» برگزار کردند و به عنوان «قهرمان ملی» مورد احترام قرار گرفتند. در تمام این دوره، خمینی و دیگر آیه‌الله‌های مسلمان تماس‌هایی با مجاهدین خلق داشتند و از طریق آنها احتمالاً روابط بین مخالفین مذهبی و تروریست‌ها حفظ می‌شد. [!]

تاکتیک‌ها و روش‌های عملیات

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکاران - هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است) مجاهدین در ابتدا بر علیه هدف‌هایی که مستقیماً با دولت ایران مرتبط می‌شد، از قبیل پاسگاه‌های پلیس و ساختمان‌های دولتی عمل می‌کردند. به تدریج مؤسساتی وابسته به غرب (برای مثال: مراکز فرهنگی، تجارتخانه و سفارتخانه‌ها) هدف قرار گرفتند. مجاهدین تکنیک ترور به وسیله بستن جاده را بر علیه مقامات ساواک و پرسنل نظامی و غیرنظامی آمریکایی مورد استفاده قرار دادند. در سال ۱۹۷۵ مجاهدین به سفارت آمریکا و اداره موتور هیئت مستشاری نظامی، به وسیله استفاده از کارمندان ایرانی، نفوذ کردند.

سازمان در مورد قسمت‌های مختلف جامعه مقامات آمریکایی، خصوصاً آنهایی که به نحوی وابسته به سفارت بودند، اطلاعاتی جمع‌آوری نمود. سازمان مجاهدین خلق معتقد بود که حمله به هدف‌های آمریکایی اثر زیادتری از هدف‌های ایرانی دارد.^۱ آنها توجه رسانه‌های گروهی را به خود جلب کرده شاه را بی‌اعتبار می‌سازند^۲ و خروج دسته‌جمعی تکنسین‌های ایالات متحده را سبب می‌شوند.

(سری) مجاهدین قابلیت استراق سمع ارتباطات ساواک را دارا می‌باشند.

تشکیلات

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) سازمان مجاهدین خلق، که به وسیله یک کمیته اداره می‌شود، به گروه‌های سیاسی - نظامی تقسیم شده که به عنوان جوخه‌های ترور و جناح‌های پشتیبانی آموزش داده می‌شوند. جناح‌های پشتیبانی وظایف بی‌شماری دارند: اطلاعات و نظارت (هدف‌های آینده ترور)، تبلیغات (نوشتن و تولید جزوات و گذاشتن آنها در محل‌های

۱. اصل: داشت.

۲. اصل: می‌ساختند.

عمومی)، تدارکات (انتخاب، به دست آوردن و حمل و نقل، تدارکات - من جمله قاچاق اسلحه)، تیم‌های پزشکی (شامل دکترها)، یک تیم انضباط داخلی و یک تیم مالی؛ [که] تماماً به قسمت‌های مجزا تقسیم شده‌اند و عملاً در فعالیت‌هایشان مستقل هستند. (سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاورین پیمانکار) گمان می‌رود که تشکیلات گروه‌های اسلامی، زیر مجموعه‌ای از مجاهدین خلق باشد. [!]

ستادها - پایگاه‌ها

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار - هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است) این طور که مشخص شده روی خانه‌های تیمی تکیه می‌کنند. در سال ۱۳۵۶، به طوری که گزارش شده، مجاهدین خلق (همراه با فداییان) تصمیم گرفتند که بعضی واحدهای مستقر در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد را منحل کنند. پیشنهاد شد که مجاهدین خلق مجدداً در شهرهای کوچک در شمال و جنوب مستقر شوند. این پیشنهاد ممکن است فریبی برای گمراهی مقامات بوده باشد. این پیشنهاد به خاطر تشکیلاتی که تروریست‌ها در صورت مبادرت به جذب در جوامع محلی احتمالاً با آن رو به رو می‌شوند، مورد تردید قرار گرفت.

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) یک واحد مجاهدین خلق ممکن است در پاریس وجود داشته باشد.

آموزش

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) تعلیمات در لبنان، لیبی، سوریه از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین، الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر گروه‌های پایداری داده می‌شود.

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان - غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار - هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است) جمهوری دموکراتیک خلق یمن ادعا نمود که قاتلان غیرنظامیان ایالات متحده را در سال ۱۹۷۶ تعلیم داده است.

(بدون طبقه‌بندی) ادعای ساواک مبنی بر آموزش مجاهدین خلق در کوبا، هرگز مورد تأیید قرار نگرفته است.

تسلیمات

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) مجاهدین خلق در دوران تروریستی شان، خودکفایی تسلیحاتی را ترجیح می‌داد و مهماتی من جمله گلوله‌های ضدزره برای تپانچه‌های خودکار ۶۳ - M و منفجر شونده‌های پیکرات با کیفیت بالا برای استفاده در بمب، با تکنولوژی پیشرفته، تولید کرده‌اند. مجاهدین خلق مواد منفجره را به مقدار خیلی زیاد تولید کرده ولی خیلی کم استفاده کرده است. بنابراین یک انبار بزرگ ممکن است وجود داشته باشد.

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) انبار مهمات جنگی مجاهدین خلق شامل تپانچه‌های کالیبر ۳۸، دیگر تپانچه‌های نیمه اتوماتیک، صدا خفنه‌کن، تفنگ‌های ۶۷ - M، تپانچه‌های خودکار ۹ میلی متری ۶۳ - M، تپانچه‌های اتوماتیک ۹ میلی متری «براونینگ»، تپانچه‌های اسپانیایی «استار» و مهمات مربوطه می‌باشد. تجهیزات شامل رادیو و بی سیم‌های دستی و همچنین دستگاه‌هایی از قبیل اسیلوسکوپ، فرستنده، باتری، رله و مدارهای مجتمع می‌باشد. (خیلی محرمانه - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) لیبی تسلیحات و مهمات را از طریق کویت و بحرین در اختیار آنها قرار داده است.

امور مالی

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) پس از دعوت آیه‌الله خمینی از مؤمنین برای حمایت از مجاهدین در سال ۱۳۵۱، تجار بازار و افراد متمایل به مذهب و مخالف مادیت، وجوهی را از طریق دانشجویان [= طلاب] و زائران مکان‌های مقدس عراق به خمینی منتقل کردند. (تا مهر ۱۳۵۷ خمینی در شهر نجف عراق مستقر بود) او قسمتی را رد کرد و بقیه را به مجاهدین داد. [!]

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) لیبی کمک‌های مالی، هم برای خمینی و هم مجاهدین خلق فراهم نمود [!] به طوری که گفته شده است سفارت لیبی در بیروت هر سه ماهه، صد هزار دلار برای مجاهدین می‌فرستد.

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) مجاهدین گاه به گاهی به بانک‌ها دستبرد زده‌اند.

روابط بین‌الملل

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) آموزش و کمک از طرف عراق، لیبی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، سوریه و فلسطین در بالا اشاره شد.

تحلیل واقعه

(خیلی محرمانه) تقریباً تمامی ترورهای مجاهدین خلق از نوع مسدود کردن جاده به وسیله اتومبیل بوده است. قربانیان به دقت مراقبت می‌شدند و ساعات و مسیر رفتنشان به سرکار به وسیله تروریست‌ها کاملاً مشخص می‌گردید. یک تا چهار عامل اجرا در کار دخالت داشتند و تقریباً بدون استثنا فرار کرده‌اند.

عملیات مهم

اردیبهشت ۱۳۵۱

(سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) مبادرت به ترور یک سرتیپ نیروی هوایی ایالات متحده به وسیله بمب‌گذاری نمودند.

خرداد ۱۳۵۲

(سری) یک سرهنگ دوم ارتش آمریکا را که عضوی از گروه مستشاری نظامی ارتش ایالات متحده بود و به عنوان مشاور مالی وزارت جنگ ایران خدمت می‌نمود، ترور کردند. دو مرد مسلح عملیات را انجام دادند که گمان می‌رود به تلافی اعدام چریک‌های محکوم بوده است.

آذر ۱۳۵۳

(خیلی محرمانه) سرتیپ رضا زندی‌پور رئیس «کمیته مشترک ضد خرابکاری» دولت را ترور کردند (در عملیات مشترک با چریک‌های فدایی خلق).

اردیبهشت ۱۳۵۴

(بدون طبقه‌بندی) دو افسر نیروی هوایی ایالات متحده را ترور کردند. صبح زود، زمانی که دو آمریکایی به وسیله یک راننده نظامی ایرانی از خانه‌شان به محل کارشان در ستاد نیروی مسلح ایرانی برده می‌شدند (جایی که آنها در گروه مستشاری نظامی کار می‌کردند)، حمله صورت گرفت. یک اتومبیل ایرانی جاده را مسدود کرد و در همان حال یک وانت از عقب به اتومبیل مستشاری کوبید. سه تروریست از اتومبیل وانت بیرون پریدند و به راننده ایرانی دستور دادند که عقب بکشد؛ بعد چندین بار از نزدیک آتش کردند و افسران را کشتند و با یک اتومبیل سوم فرار کردند.

۱۳۵۴ خرداد

(خیلی محرمانه) کنسولگری انگلیس را در مشهد بمب‌گذاری کردند. - (خیلی محرمانه) یک کارمند ایرانی سفارت آمریکا را ترور کردند (هدف اصلی یک مقام کنسولی ایالات متحده بود).

۱۳۵۵ مرداد

(بدون طبقه‌بندی) سه کارمند غیرنظامی و یک پیمانکار دفاعی ایالات متحده را در یک عملیات آدمکشی، به وسیله مسدود نمودن جاده، مشابه به اتفاق ۱۹۷۵ ترور کردند و فقط این بار چهار تروریست در عملیات شرکت کردند. (خیلی محرمانه) مرکز مهاجرت یهودیان مرتبط با سفارت اسرائیل را تحت نظر گرفتند. [بدون امضا]^۱

۱. اسناد لانه جاسوسی (ویرایش جدید)، ج ۳: صص ۲۵۸ - ۲۵۹ و ۲۶۷ - ۲۷۳. گزارش تامست به لینگن، مورخ ۷ اوت ۱۹۷۹.